



اولین گناه کبیره ترک نماز است/ کاری واجب تر از تهذیب نفس در اسلام نیست

آیت الله مظاهری گفت: نماز واجب است و خیلی سفارش شده است. کسانی که گناهان کبیره را هفتصد تا می‌شمارند، اول ترک نماز است و آن کسانی هم که گناهان کبیره را هفت مورد می‌شمارند، اول ترک نماز است.

آیت الله مظاهری گفت: نماز واجب است و خیلی سفارش شده است. کسانی که گناهان کبیره را هفتصد تا می‌شمارند، اول ترک نماز است و آن کسانی هم که گناهان کبیره را هفت مورد می‌شمارند، اول ترک نماز است. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود مطالبی بیان کرده که متن آن برای علاقمندان در پی می‌آید.

بحث این چند هفته ما درباره هدف از خلقت انسان بود. اینکه پروردگار عالم ما را برای چه خلق کرده است!

از بحث‌ها استفاده کردیم که پروردگار عالم، عالم وجود را برای انسان خلق کرده است؛ و این انسان را برای خودش خلق کرده است. لذا هدف از خلقت را یک بحث راجع به عالم وصول و شهود و یک بحث راجع به رفتن به بهشت و مقام‌های قرب خدا، و یک بحث راجع به عبودیت و بحث چهارم که هفته گذشته درباره‌اش صحبت کردم، این است که آدم شویم. خدا ما را خلق کرده است که از صفر شروع کنیم و به مقام آدمیت برسیم، و هنوز حضرت آدم خلق نشده، به ملائکه خطاب شد که من می‌خواهم خلیفه‌الله بسازم. ملائکه طبع خلیفه‌الله را می‌دانستند. اگر متوقف شود و به مقام آدمیت نرسد، خون و خون‌ریزی و فساد است. لذا به خدا گفتند: خدایا! اگر مقدس می‌خواهی، ما هستیم و اگر عبادت می‌خواهی ما هستیم، خطاب شد مقدس نمی‌خواهم، بلکه آدم می‌خواهم. لذا آدم را خلق کرد. خدا در قرآن در چندین جا اسم آدم را خلیفه‌الله گذاشته است. من جمله در آیه: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» [۱]؛ یعنی هدف از خلقت انسان اینست که از صفر شروع کند و به مقام خلیفه‌اللهی برسد، که قرآن اسم این را آدم گذاشته است. این کار مشکلی است، اما از بحث‌ها استفاده کردیم که از اوجب واجبات است. از بحث‌ها استفاده کردیم که این انسان با اختیار خودش باید از صفر شروع کند و به مقام آدمیت برسد. به عبارت دیگر باید در این راه درخت رذالت را از دل بکند و درخت فضیلت بکارد و بارور کند و میوه‌دار کند و از میوه آن هم خود استفاده کند و هم دیگران، و قرآن اسم این را شجره طیبه گذاشته است. قرآن خیلی تعریف این شجره طیبه را کرده است: «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى طَيِّبَاتٍ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ» [۲]

لذا برای تهذیب در این دنیا آمده‌ایم. این خیلی مشکل است، اما خیلی فایده دارد و لذت‌بخش است. به قول مؤسس حوزه علمیه قم، فرموده بودند: یک مثال عوامانه در میان عوام هست که می‌گویند: ملا شدن چه آسان و آدم شدن مشکل است. من می‌گویم: ملا شدن مشکل است و آدم شدن محال است. یعنی خیلی کار دارد. اما هر قدمی که بردارد، جبهه است. لذا وقتی جوان‌ها و بسیجی‌ها از جبهه برمی‌گشتند، پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» برای بارک الله گفتن به آنها به خاطر اینکه پیروز برگشته بودند، می‌فرمودند: «مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ» [۳] و قَالَ صَإِنْ أَقْضَلَ الْجِهَادَ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ.

بارک الله به شما که از جبهه پیروز برگشتید. توانستید دشمنی که حمله کرده بود، نابود کنید و عقب بزنید. بارک الله بر شما! اما یک جهاد بزرگ‌تر در جلوس و به این اهمیت دهید. «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ- وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ» این جهاد بزرگ‌تر از جبهه و دفاع در مقابل دشمن چه جهادی است؟ فرمودند: «جِهَادُ النَّفْسِ»

اینکه انسان بتواند صفات رذیله را از دل بکند و حسود نباشد و خیلی جرأت می‌خواهد که کسی بگوید من حسود نیستم. متکبر و خودخواه نباشد و دنیاپرست و ریاست طلب نباشد. این رذایلی که بیش از چهل رذیله در درون ماست، یکی یکی نابود کند. همان که مرحوم حاج شیخ فرموده محال است، اما لااقل بتوانیم این شعله آن را بگیریم. شعله آن به عالم آتش می‌زند. شعله آن هم خود انسان را نابود می‌کند و هم دیگران را. لااقل بتوانیم جلوی این شعله را بگیریم که آن بسیار مشکل است اما از اوجب واجبات است. شما نمی‌توانید واجبی در اسلام پیدا کنید که از تهذیب نفس واجب‌تر باشد. نماز واجب است و خیلی سفارش شده است. کسانی که گناهان کبیره را هفتصد تا می‌شمارند، اول ترک نماز است و آن کسانی هم که گناهان کبیره را هفت مورد می‌شمارند، اول ترک نماز است. لذا نماز برای خودسازی فوق العاده اهمیت دارد و خیلی بالاست و هرکه نخواند کافر است، کفر عملی است؛ یعنی هرگز آدم بی نماز نمی‌تواند به بهشت رود و در بهشت بر او بسته است و حتماً جهنمی است. لذا نماز خیلی واجب است، اما واجب‌تر از این نماز، تهذیب نفس است. اینکه انسان و مخصوصاً جوان‌ها، که حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به ما خیلی سفارش می‌کردند که تا جوانید خود را اصلاح کنید و تا جوانید، درخت رذالت را از دل بکنید و الا اگر در حال جوانی بی اعتنا باشیم، کم کم رسوخ می‌کند و ریشه دار می‌شود و آنگاه کندن درخت رذالت در سرحد محال است. لذا بزرگان و من جمله حضرت امام در درس‌های اخلاقی این جمله را زیاد به ما سفارش می‌کردند که تا جوانید هم قدرت شما بیشتر است و هم ریشه کمتر است و هم توفیق الهی برای جوان‌ها بیشتر است. تا جوانیم باید خودسازی کنیم و متکبر و خودخواه نباشیم و لجوج و عنود نباشیم و ریاست طلب نباشیم و هرکدام از اینها اگر گل کند، عالم را آتش می‌زند.

یک آدم ریاست طلب، اگر فرصت پیدا کند، حاضر است دو ثلث جهان را بکشد، برای اینکه در یک ثلث دیگر حکومت کند. اینجا

و آنجا هم ندارد. شما می‌دانید جنگ جهانی اول جلو آمد و هفتاد میلیون غربی‌ها همدیگر را کشتند، برای اینکه هر کدام می‌گفتند من. اول علمشان شکستن اتم بود و این شکستن اتم خیلی مفید است و می‌تواند عالم را گلستان کند، اما اول نتیجه شکستن اتم دو بمب شد روی سر ژاپنی‌ها که صد و پنجاه میلیون نفر را بی‌گناه به خاک و خون کشید. هرکس به اندازه قدرتش، یک دفعه این ریاست طلب، عرضه ندارد و در خانه به زن و بچه پرخاشگری می‌کند و این اگر قدرت داشت به جهان پرخاشگری می‌کرد. در مقابل خانم و بچه‌ها عصبانی می‌شود. آدم حسود، اگر به راستی فرصت پیدا کند، همین حسادتش موجب می‌شود که عالم را به آتش بکشد. قضیه فرانسه چند روز قبل به راستی عالم را آتش زد. البته به ضرر خودش تمام شد. دنیا می‌دانست که اینها چه هستند و حال خودش هم فهمیدند که چه هستند. این از حسادت است. می‌بیند اسلام عزیز به نام جمهوری اسلامی گل کرده و نمی‌تواند ببیند. حسادت گل می‌کند. یک دفعه حسادت گل می‌کند و مادرشوهر به عروس اذیت می‌کند و قدرتش به این اندازه است که اذیت به عروس کند یا خودبینی عروس گل می‌کند و به همین اندازه می‌تواند یک نیشی به مادرشوهرش بزند. همین اگر قدرت پیدا کند، عالم را آتش می‌زند. لذا آدم حسود و متکبر، آدم عنود و ریاست طلب و امثال این صفات رذیله به اندازه قدرت انسان، از انسان کار می‌کشد. یک دفعه قدرت کم است و خانوادگی است و زن مسلط بر سر شوهرش است و چه نیش‌ها و دادها می‌زند و محیط خانه را سرد می‌کند یا آقا بدخلاق است و هرچه بگویند این بداخلاقی فشار قبر دارد، اما وقتی گل کند، خانه را به هم می‌ریزد. این اگر قدرت داشته باشد، شهر را به هم می‌ریزد. اگر بیشتر قدرت داشته باشد، دنیا را به آتش می‌کشانند. لذا، «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» [۴]

اگر انسان خودسازی نکند و این صفات رذیله در دل رسوخ کند، پست‌تر از هر جنبه و میکروب سرطان است و پست‌تر از میکروب سرطان کسی است که خودسازی نکرده باشد و صفات رذیله‌ای در دلش رسوخ کرده باشد. با کمال معذرت هم بگویم همه ما صفات رذیله داریم و کسی نمی‌تواند بگوید صفات رذیله ندارم، الا اینکه معصوم من اول الامر نور مطلق باشد. «خلقکم الله انوارا و جعلکم بعرضه محدقین» [۵]

اما هرکه باشد و هرچه باشد، این صفات رذیله هست و باید با اختیار خودش این صفات رذیله را رفع کند. این کار شبانه روزی می‌خواهد و الا شیطان درون با شیطان برون با هم هماهنگ می‌شوند و جته‌ای که بدتر از هر درنده‌ای هست، می‌سازند و بدتر از هر میکروبی است، می‌سازند. لذا برای اجتماعش به اندازه قدرتش از هر سگ درنده‌ای درنده‌تر است. اینکه قرآن می‌فرماید از اوجب واجبات است. سورة والشمس مختص همین است و ۱۱ قسم می‌خورد و بعد از یازده قسم می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها، وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» [۶]

رستگاری فقط و فقط از کسی است که مهذب باشد و درخت رذالت را از دل کنده باشد. بعد با چند تأکید که تقریباً ۱۷ تأکید می‌شود، می‌فرماید: بدبخت کسی است که صفت رذیله‌ای بر دلش حکم فرما باشد. در سورة والشمس علتش را می‌فرماید که صالح پیغمبر هرچه گفت اینها زیر بار نرفتند. یکی از رذایل همین است که انسان زیر بار نمی‌رود و هرچه صالح پیغمبر داد زد و معجزه آورد، فایده نداشت. برای اینکه صالح پیغمبر را از میدان به در کنند، به او گفتند: ایمان می‌آوریم به شرط اینکه یک شتر ماده با بچه‌اش از کوه بیرون آید. خطاب شد معجزه را می‌دهیم. همه کسانی که صفت رذیله داشتند جمع شدند؛ یعنی کسانی که صفت رذیله در آنها رسوخ کرده بود، جمع شدند. ناگهان صیحه‌ای آمد و کوه شکافته شد و شتر ماده با بچه‌اش بیرون آمد. حال اگر آدم بودند، همه به سجده می‌افتادند و همه خوشحال بودند که از پروردگار عالم معجزه خواستیم و معجزه داد و پروردگار عالم چه پیغمبری به نام صالح فرستاده و ما باید تابع پیغمبر باشیم و به آنچه خدا می‌گوید عمل کنیم. البته باید اینطور باشد، اما یک نفر ایمان نیاورد. قرآن می‌فرماید تصمیم گرفتند این شتر را بکشند.

صالح پیغمبر دلش برای اینها می‌تپید و مرتب به آنها گفت: اگر ایمان نمی‌آورید، غضب خدا را متلاطم نکنید و اگر این شتر را کشتید، نابود می‌شوید. اما حرف صالح پیغمبر را نشنیدند. خدا نکند آدم حرف نشنو باشد. قرآن اسم امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» را حرف شنو گذاشته است و خدا نکند آدم حرف نشنو باشد. این از لجابت سرچشمه می‌گیرد و بالاخره یک آدم از ارادل و اوباش را روی کار کردند و رفت و شتر را با بچه کشت و چهار دست و پای شتر و بچه شتر را زد و شتر روی خاک افتاد و مرد. اما عذاب آمد و یک دفعه نابود شدند. قرآن می‌فرماید: «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا» [۷]

اینها فکر عاقبتش را نمی‌کردند، زیرا صفت رذیله نمی‌گذاشت اینها عاقبت اندیش باشند. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» [۸]

پست‌تر و شرتر از هر جنبه‌ای آنست که عقل دارد و تعقل ندارد و فکر دارد و تفکر ندارد و الا اگر فکر کند و عاقبت اندیش باشد، نباید به اینجا برسد. قرآن می‌فرماید: «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا» [۹]

اینها عاقبت اندیش نبودند و صفت رذیله آنها را رساند به اینجا که معجزه بزرگ خدا را نابود کردند. معلوم است معجزه بزرگ خدا را نابود کنند، یعنی نابودی خودش هم در دنیا و هم در آخرت.

ما باید صفت رذیله نداشته باشیم. قرآن تعریف اینها می‌کند و می‌فرماید:

«وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» [۱۰]

آنها که قابل انعطاف هستند و تفکر دارند و زیر بار می‌روند، وقتی می‌شنوند که کسی قرآن می‌خواند، جاذبه قرآن آنها را به گریه می‌اندازد و مسلمان می‌شوند و می‌گویند حق را دیدیم، پس چرا زیر بار حق نرویم؟ یک دسته هم قرآن می‌فرماید: کارشان به اینجا می‌رسد که در غدیر خم به پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» می‌گویند این کار از خودت بود یا از خدا بود؟ پیغمبر می‌فرماید از خداست، مگر ندیدی که گفتم جبرئیل آمده و آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ

الإسلام دیناً» [۱۱] را نشنیدی؟! گفت: من نمی‌توانم ببینم و از خدا بخواه که سنگی بیاید و مرا نابود کند.

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» [۱۲]

پیغمبر فرمودند: از میان ما بیرون برو آنگاه سنگ می‌آید و نابودت می‌کند.

اگر قابل انعطاف باشد آنست که: «وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَا فَاكْتُنِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» [۱۳]

آنگاه مثل سلمان فارسی می‌شود. گفتند سلمان چرا چنین شدی و (من اهل‌البیت) خیلی مقام است. گفت برای اینکه عشق به علی و محبت امیرالمؤمنین سرتاپایم را گرفته و حرف او مقدم بر همه خواهش‌های خودم است و آنگاه سلمان شدم. یک دفعه هم می‌رسد به جایی که می‌گویند من نمی‌توانم ببینم این خلیفه خدا باشد. از همین بپرسند چه چیز کم دارد؟! آیا علم ندارد؟! لاأقل سبب آیه درباره امیرالمؤمنین علی «سلام‌الله‌علیه» هست. آیا شجاعت ندارد؟! هشتاد و چهار جنگ به دست امیرالمؤمنین پیروز شده است. یعنی دشمن حمله می‌کرد و اگر امیرالمؤمنین نبود شکست می‌خوردند. آیا متقی نیست؟! تقوایش اینست که در مقابل خوارچ نهروان و در مقابل دشمن می‌فرماید: به خدا قسم اگر عالم هستی را به من بدهند و بگویند ظلم کن به یک مورچه و پوست جو را بیجا از دهان او بگیر، من نمی‌کنم. یعنی ظلم به یک مورچه در مقابل دادن دنیا به او.

«وَاللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْئَادِهِمْ عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهُ فِي ثَمَلَةٍ أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ» [۱۴]

اینجا تاریخ نیست که کسی بگوید درست نیست و از شیعه هم نیست که کسی بگوید برای امامت گفتی، بلکه یک چیز ضروری و یک چیز مسلم است و چیزی است که همه می‌دانند. شاید بیش از هزار جا پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین را منصوب به خلافت کرده است. حساب غدیرخم و روایت ثقلین هم نیست، بلکه همه می‌دانند و همه می‌دانند از خودش نیست، بلکه از خداست. پس چرا چنین شد؟ وای به حسادت و لجابت و تکبر، که انسان را می‌رسد به پرتگاهی که به قول خدا در همین سوره والشمس، ناقه صالح پیغمبر را می‌کشد و دلش حال می‌آید.

بعضی اوقات دیده‌ایم که حسابی غیبت می‌کند و می‌گوید دلم حال آمد که او را افتضاح کردم. دیده‌ایم تهمت می‌زند و شایعه پراکنی می‌کند و بعد می‌گوید دلم حال آمد و چه خوب شد که آبرویش را بردم. اینکه دلم حال آمد یعنی صفت رذیله‌ام را ارضا کردم. باید خودسازی کرد و الا در پرتگاه هستیم. باید این صفات رذیله را رفع کرد و الا در پرتگاهیم.

یک مثال عوامانه است که می‌گویند یک شخصی در اصفهان آلوسپاه دید و گرفت و خورد و دید خیلی مزه ندارد. بعد یک وقتی آمد و بادمجان دید و خیال کرد آلوسپاه است و خورد و گفت مرده شورت را ببرند که هرچه بزرگ‌تر می‌شوی بدمزه‌تر می‌شوی. آدمی که صفات رذیله دارد، اینگونه است که هرچه بزرگ‌تر شود در دل رسوخ می‌کند. شجره خبیثه می‌رسد به آنجا که عالم را به هم می‌ریزد. به قول عوام دلش حال بیاید هرطور که خواست بشود. عالم را به هم می‌ریزد، برای اینکه صفات رذیله خود را ارضا کند. انسان اگر در زندگی شخصی خودش فکر کند که این فکر چیز خوبیست: «تَفَكَّرُ سَاعَةً حَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَاعَةٍ» [۱۵]

انسان یک ساعت فکر کند از یک سال عبادت بالاتر است. حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در شرح چهل حدیث، روایتی را متذکر می‌شوند که می‌فرماید: يك ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است. [۱۶] مسلم ایشان روایت را دیده‌اند. انسان یک ساعت فکر کند، مثل هفتاد سال عبادت است. فکر اینکه من اگر حسود باشم، در زندگی‌ام غیبت و تهمت و شایعه است. اگر مال دوست و پول پرست باشم، حرام می‌خورم. وقتی حرام خوردم، وای به دلم که سیاه می‌شود و به قول قرآن: «فَوَيْلٌ لِلنَّاسِ مِنَ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذَكَرِ اللَّهِ» [۱۷]

آنگاه نمی‌تواند به دیگران رسیدگی کند زیرا پول پرست است و اگر متکبر باشد، زیر بار حق و حقیقت نمی‌رود و بالاخره می‌رسد به جایی که:

بی ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش بر همه آفاق زد

الان دنیای روز مثل درنده‌ها به جان هم افتاده است. یعنی دنیای غرب نمی‌داند که این جنگ‌ها و وحشی‌گری‌ها چقدر ضرر دارد؟ دنیای غرب نمی‌داند این داعشی که درست کرده، خودش درست کرده و باید نابود کند و الا این همه کشتار نیست، اما می‌گوید داعش برایم کار کند و صهیونیسم در خاورمیانه باشد، آنگاه به هرکجا خواست برسد، ولو اینکه یک میلیون بی‌گناه نابود شود. اول فکر خودمان باشیم که اگر ما صفت رذیله داشته باشیم، بدبخت هستیم، هم دنیایمان بدبخت است و هم آخرتمان. صفات رذیله است که بین زن و شوهر را به آنجا می‌رساند که چشم دیدن یکدیگر را ندارند، یعنی حاضر است به سگ نگاه کند، اما به زنش یا شوهرش نگاه نکند. آنگاه کار به طلاق می‌رسد و هرچه می‌گویند بچه دارید و این بچه بی پدر و مادر می‌شود و عقده‌ای می‌شود و جامعه را به هم می‌ریزد، اما می‌گویند باید بشود. این طلاق‌ها از کجا پیدا می‌شود؟! در زمان پیغمبر اکرم که ۲۳ سال حکومت کرده، نداریم یک طلاق هم داده شود. قانون طلاق باید باشد، اما «مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ» [۱۸]

مبغوض ترین چیزها پیش خدا طلاق است، اما الان کار رسیده به اینجا که از هر چهار ازدواج، یکی طلاق است. اگر برای این خون گریه کنیم، جا دارد. اینها از صفات رذیله پیدا می‌شود و الا قرآن می‌گوید من بین زن و شوهر زمینه درست کردم: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» [۱۹]

من بین زن و شوهر مودت و رحمت ایجاد کردم، برای اینکه یکدیگر به هم مطمئن باشند و محبت خدادادی دادم که حکومت بر دل یکدیگر داشته باشند. پس چرا اینطور نیست؟ وای به صفت رذیله. اگر طلاق است، از صفت رذیله پیدا می‌شود و اگر بدبختی و اقتصاد ناسالم است، از صفت رذیله پیدا می‌شود و اگر بیکاری و بدکاری و رشوه خواری در ادارات هست، از صفات

رذیله پیدا می‌شود و اگر فساد اخلاقی است، از صفت رذیله است. شما اگر عفت را مجسم کنید، یک خانم می‌شود، اما این خانم وقتی صفت رذیله بر او حکم فرما شد، نظیر کولی‌ها که آن وقت‌ها موهای سرشان پیدا بود، این هم موی سرش و هم سینه و هم دستش پیداست، یعنی خودنمایی می‌کند. افتخار هم می‌کند و هرچه چهار تا اصطلاح بیشتر بلد باشد، خودنمایی این بیشتر می‌شود. این اگر صفت رذیله نداشت، عروسک برای بچه‌ها و جوان‌ها نمی‌شد. عفت را مجسم کن، یک خانم می‌شود و غیرت را مجسم کن، یک مرد می‌شود. پس چرا مردهای ما اینقدر بی غیرت شده‌اند؟ یعنی حاضر است زنش اینگونه بیرون بیاید، برای اینکه جوان‌ها به او نگاه کنند! یکی از صدمات بزرگ جوان‌ها اینست که بی بند و باری آمده و موجب مشقت برای آنهاست، اما او لذت می‌برد. از کم شروع می‌شود و به کم قانع نیست و زیر پل همه چیز می‌زند. درحالی که بیست آیه در قرآن راجع به حجاب است، می‌گوید: حجاب چیست؟ همه اینها به خاطر اینست که اگر صفت رذیله آمد، اگر روزنامه نگار یا سایت نگار باشد، خیلی چیزها را منکر می‌شود و خیلی بداخلاقی‌ها می‌کند و اگر یک رعیت یا فعله باشد، به گونه دیگر و اگر کاسب باشد، به گونه دیگر و بالاخره صفت رذیله در هر کسی باشد، به اندازه عُرْضه‌اش کار بد می‌کند.

یکی از آقایان هفته گذشته که بحث من تمام شد و آمدم، گفت مقداری در کیفیت خودسازی صحبت کن. گفتم این بحث ما نیست و بحث ما بحث فوق العاده ارزنده‌ای است و این هفته می‌خواستم راجع به این صحبت کنم که چگونه خودسازی کنیم. اما خدا خواست و در این بحث افتادیم و امیدوارم این بحث مرضی امام زمان باشد.

اگر انسان صفت رذیله داشته باشد به اینجا می‌رسد که جاذبه حسین «سلام‌الله‌علیه» نمی‌تواند در او کار کند. حسین خیلی جاذبه دارد، اما همین امام حسین دلش می‌تپد برای لشکر دشمن. علی اکبرش را کشتند، اما دلش برای این لشکر می‌تپد که می‌خواهند جهنمی شوند. دلش می‌تپد برای این نانجیب مردم که ابوالفضلش را کشتند، اما او کار خود را می‌کند و آنها هم کار خودشان را می‌کنند. وقتی صفات رذیله کار به اینجا می‌رسد که آقا امام حسین به میدان آمدند برای اینکه تبلیغ کنند. زینب مظلومه هم می‌دانستند. یعنی وقت به میدان آمدن، هیچکس را نداشتند و می‌گویند با شتر و با عمامه پیغمبر آمدند و اسلحه نداشتند. آمدند برای اینکه تبلیغ کنند. معجزه هم به کار انداختند و اول همه را ساکت کردند و حتی در مقاتل آمده که اسب‌ها از صدا کردن باز شدند و زنگ‌ها از صدا افتاد و همه آنها خفه شدند و آقا امام حسین صحبت کردند و یک منبر رفتند. اول منبر را امام حسین در میدان رفتند و اول خطبه خواندند و بعد نصیحت کردند و بعد مصیبت خواندند. خطبه خواندند و فرمودند: ای مردم می‌دانید که پسر پیغمبرم و من حلالی را حرام نکرده‌ام و حرامی را حلال نکرده‌ام و همه شما می‌دانید که وقتی وارد مسجد می‌شدم، پیغمبر اکرم از منبر پایین آمده و مرا در بغل می‌گرفتند و روی منبر می‌نشستند و برای شما حرف می‌زدند. پس چرا چنین می‌کنید؟! بعد این ولایت تکوینی را برداشتند تا ببینند آیا اینها آدم شده‌اند یا نه و دیدند که همانطور هستند و هوچی بازی می‌کنند و کف می‌زنند. دوباره ولایت تکوینی کردند و با مردم حرف زدند. ای مردم! حسین کشی بچه بازی نیست. نابود می‌شوید و دنیا و آخرتتان از بین می‌رود، این کارا نکنید. الان داغ هستید و بعد می‌فهمید که به کجا می‌رسید. به خاطر دنیا و دنیاپرستی و دوستی دنیا، حسین را نکشید. الان هم می‌شود درحالی که علی اکبر و ابوالفضل را کشتید، اما قابل ترمیم است و می‌شود و این کار را نکنید. باز ولایت تکوینی را برداشتند تا ببینند چه خبر است و باز دیدند همان طور است. در آخر کار روضه خواندند تا ببیند آیا از راه روضه می‌توانند تحریک عاطفه کنند؟ فرمودند: ای لشکر، من با شما جنگ دارم و شما با من و این زن و بچه در خیام چه کرده‌اند! صدای العطش از خیمه‌ها بلند است، به آنها آب دهید.

پاداش این منبر امام حسین این شد که مالک بن یُسْر جلو آمد و اول شماتت کرد و بعد از شماتت، سنگی بر پیشانی امام حسین زد و پیشانی امام حسین را شکست.

.....

پی نوشت ها

- [۱]. البقرة، ۳۰: «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت.»
- [۲]. ابراهیم، ۲۴ و ۲۵: «سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد. و خدا مثلها را برای مردم می‌زند، شاید که آنان پند گیرند.»
- [۳]. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۶۳
- [۴]. الأنفال، ۲۲: «قطعاً بدترین جنبندها نزد خدا کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند.»
- [۵]. زیارت جامعه کبیره.
- [۶]. الشمس، ۹ و ۱۰: «که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً در باخت.»
- [۷]. الشمس، ۱۵: «و از پیامد کار خویش، بیمی به خود راه نداد.»
- [۸]. الأنفال، ۲۲: «قطعاً بدترین جنبندها نزد خدا کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند.»
- [۹]. الشمس، ۱۵: «و از پیامد کار خویش، بیمی به خود راه نداد.»
- [۱۰]. المائدة، ۸۳: «و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشمهایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس.»
- [۱۱]. المائدة، ۳: «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.»
- [۱۲]. المعارج، ۱: «پرسنده‌ای از عذاب واقع‌شونده‌ای پرسید.»

- [۱۳]. المائدة، ۸۳: «و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشمهایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس.»
- [۱۴]. نهج البلاغة، خطبه ۲۲۴، ص ۳۴۷.
- [۱۵]. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۸.
- [۱۶]. چهل حدیث، ص ۱۹۱.
- [۱۷]. الزمر، ۲۲: «پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی‌کنند.»
- [۱۸]. وسائل الشیعة، ج ۲۲، ص ۸.
- [۱۹]. الروم، ۲۱: «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.»